

سخن سردبیر

مقدمه

پژوهش در حوزه‌های علمیه، سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد. به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد: پژوهش، همزادِ تدریس و تحصیل در حوزه‌های علمیه است. مفسران، فقیهان، متکلمان و فیلسوفان بزرگ شیعه و اهل سنت در طول تاریخ اسلام به پژوهش اهمیت داده‌اند؛ ولی این سابقه طولانی با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در ضرورت پژوهش توجه به دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول: پژوهش می‌تواند آینه‌ای برای نمایاندن کاستی‌های ما در حوزه روش و آموزش و بوجه نقدی بر اساتید و دانش‌پژوهان باشد. نکته دوم: بنیادهای یک جامعه مولود اندیشه‌ها است و اندیشه‌ها از رهگذر پژوهش و پژوهشگران پا به عرصه می‌نهند. بنابراین، همان‌گونه که اندیشه و اندیشه‌وران را نمی‌توان ساده انگاشت، پژوهش و پژوهشگران را نیز نمی‌توان غافلانه فراموش کرد. چه اینکه کم‌انگاشتن پژوهش، راه را برای پیشرفت و ترقی می‌بندد و استعدادها را ابتر و ناکام می‌سازد. از اینرو، توجه به آسیب‌ها و ارائه راه‌کارهایی برای برون‌رفت از این مشکلات خدمتی بس عظیم به جامعه بشری است. از این رو در نوشتارِ پیش رو،^۱ در صدد هستیم به برخی از این آسیب‌ها اشاره‌ای مختصر داشته باشیم.

۱. بر گرفته از مقاله «آسیب‌شناسی پژوهش در حوزه‌های علمیه».

آسیب‌های پژوهش در علوم اسلامی

۱. آسیب‌های روش‌شناختی

۱-۱. خلط «تحقیق» با «اطلاع‌رسانی آموزشی و ترویجی»

پژوهشگر، مسئله‌محور است؛ یعنی مشکل و موضوع خود را تحلیل کرده به مسائل یا مسئله تبدیل می‌کند و به دنبال حل آن می‌رود و برای آن فرضیه‌ای نو ارائه می‌کند. اما کسی که در صدد آموزش و اطلاع‌رسانی ترویجی است، موضوع‌محور یا مشکل‌محور است؛ از این رو به مقدمات و حواشی و مصادیق و ابعاد و همسایه‌های مطلب می‌پردازد و هدف آن اقناع مخاطب یا پر کردن ذهن او از معلومات است نه حل مسئله و نوآوری. از آنجا که حوزه‌های علمیه سه وظیفه «تبلیغ»، «آموزش» و «پژوهش» را به عهده گرفته‌اند، گاهی افراد این سه مقوله را با هم خلط می‌کنند و پژوهش‌های آنان تبدیل به اطلاع‌رسانی تبلیغی یا آموزشی می‌شود؛ از این رو نتایج لازم را به دنبال نمی‌آورد.

۱-۲. تبارشناسی نکردن مسائل

برخی از مسائل تک تباراند؛ مثل مسائل فقهی نماز. در اینجا نیاز به مطالعات میان رشته‌ای نیست. اما برخی از مسائل چند تباراند؛ مثل ماهیت ایمان که از منظر کلام، تفسیر قرآن و روان‌شناسی قابل بررسی است؛ نیز علل خودکشی که می‌توان آن را از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، کلام و فقه بررسی کرد. در این‌گونه مسائل بدون مطالعات میان رشته‌ای و تطبیقی جواب کامل به دست نمی‌آید. برخی از پژوهشگران به تبارشناسی مسائل توجه نمی‌کنند؛ از این رو مسئله را تک بُعدی و ناقص می‌بینند و پژوهش آنان نتیجه کامل نمی‌دهد. این خطا در خلط روش علم مورد استفاده نیز تأثیر دارد.

۱-۳. خلط گسترده علوم و روش آنها

روشن است که با روش و چارچوب یک علم، نمی‌توان مسائل علم دیگر را حل کرد. روش عقلی را - که در فلسفه و منطق به کار می‌رود - نمی‌توان جایگزین روش تجربی کرد که در علوم تجربی کاربرد دارد، یا روش نقلی که در حدیث استفاده می‌شود، نمی‌تواند جای آن را روش دیگری بگیرد.



۱-۴. خلط یافته‌ها با اطلاعات

پژوهشگر در جریان تحقیق، نخست به اطلاعاتی خام دست می‌یابد که به آنها «داده‌ها» یا «یافته‌ها» گویند. سپس این یافته‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و اطلاعات ارزشمند و معتبر به دست می‌آید. این اطلاعات معتبر برای تحقیق، پردازش می‌شوند. اطلاعات شایسته و معتبر آنهایی هستند که مرتبط با موضوع، کامل، صادق، دقیق، واضح، نو و مستند باشند. اما گاهی برخی پژوهشگران یافته‌ها را به جای اطلاعات به کار می‌گیرند، در حالی که یافته‌ها ارزش کاربردی ندارند؛ برای مثال کسی که هر حدیثی را در هر کتابی که یافت - بدون بررسی سند و ارزیابی متن - به کار می‌برد؛ محقق شمرده نمی‌شود.

۱-۵. ناآگاهی از روش تحقیق

هر پژوهشگر و نویسنده، نیازمند روش تحقیق است، بلکه نیازمند بازآموزی و نوسازی روش تحقیق خود در طول زمان است. برخی از پژوهشگران از این نیاز اساسی غافل می‌شوند و در نتیجه، زحمات آنان را به جایی نمی‌برد یا شکل و سامان خوبی نمی‌یابد، یا استفاده بهینه از آنها نمی‌شود.

۱-۶. ناآگاهی از روش‌شناسی تحقیق

گاهی محققان، روش تحقیق عمومی را می‌دانند، ولی از اقسام روش‌های تحقیق، به ویژه روش‌های تخصصی هر حوزه و روش پژوهش میان رشته‌ای آگاهی ندارند؛ از این رو در انتخاب روش مناسب تحقیق با مشکل مواجه می‌شوند. از این رو لازم است که پژوهشگران علاوه بر آگاهی از روش تحقیق، از روش‌شناسی روش‌های تحقیق نیز آگاه باشند.

۱-۷. حصرگرایی در تبیین و نفی دیدگاه‌های رقیب

تبیین مطالب و تشریح علت‌ها می‌تواند به صورت طولی یا عرضی مطرح شود. هر مسئله‌ای ممکن است تبیین جامعه‌شناختی، اسطوره‌ای، متافیزیکی تاریخی و... داشته باشد. این تبیین‌ها هم دیگر را نفی نمی‌کنند، چون ساحت‌های آنها متفاوت است؛ پس ممکن است همگی صحیح باشند. برای مثال «علیت» می‌تواند تبیین متافیزیکی داشته باشد و به خدا نسبت داده شود و نیز می‌تواند تبیین فیزیکی و مادی داشته باشد و به

انسان نسبت داده شود. یک مسئله همچنین می‌تواند تبیین عرضی داشته باشد. در این صورت دو تبیین در یک سطح معرفتی هستند و ممکن است قابل جمع و سازگار باشند. (مثل علل معدّه در مورد یک معلول) یا قابل جمع نباشند؛ چراکه با یکدیگر تناقض دارند. مثلاً اگر از یک مسئله دو تبیین جامعه‌شناختی عرضه شود، باید یکی را انتخاب کرد و نظریه رقیب را از صحنه خارج ساخت. گاهی خلط میان تبیین طولی و عرضی، و حصرگرایی در پژوهش، موجب نفی بدون دلیل دیدگاه‌های رقیب می‌شود.

۱-۸. کم‌توجهی به نیازسنجی در انتخاب موضوعات پژوهشی

روش صحیح انتخاب موضوع آن است که در انتخاب موضوع تحقیق، به معیارهای زیر توجه شود:

الف. نیاز جامعه و مراکز علمی؛

ب. استعداد و توان پژوهشگر؛

ج. علاقه پژوهشگر؛

د. ضرورت پژوهش در موضوع.

در بسیاری از موارد، مراکز پژوهشی و پژوهشگران از روش صحیح برای انتخاب موضوع و مسئله پیروی نمی‌کنند، بلکه گاهی برای رفع تکلیف اقدام به انتخاب موضوع پایان نامه می‌کنند و گاهی... لازم است موضوعات و مسائل هر حوزه پژوهشی، خود، موضوع یک پژوهش وسیع کاربردی قرار گیرد و در اختیار پژوهشگران گذاشته شود.

۱-۹. پرداختن بیش از حد به مباحث نظری و دور شدن از مباحث کاربردی و راهبردی

تحقیقات بنیادی و کاربردی، همه مورد نیاز است؛ اما گاهی آن قدر به پژوهش‌های بنیادی و نظری اهمیت داده می‌شود و مسائل ذهنی مورد پژوهش یا باز پژوهی قرار می‌گیرد که از تحقیقات کاربردی غفلت می‌گردد؛ چرا که در این پژوهش‌ها به مسائل عینی جامعه توجه نمی‌شود. این، یکی از آسیب‌های جدی در حوزه علوم اسلامی است که نمونه‌های عینی آن را در بخشی از مسائل بی‌ثمر اصول فقه و مانند آن می‌بینیم. (هر چند که بسیاری از مسائل اصول فقه، مفید و ضروری است).



۲. آسیب‌های روان‌شناختی

۱-۲. ترس از ابراز عقیده و نظریه پردازی

پژوهشگر باید شجاعت ابراز عقیده و نظریه پردازی مستدل را داشته، و دارای اعتماد به نفس قوی باشد تا بتواند گامی در علم به پیش نهد. گاهی عوامل درونی، مثل سستی اراده یا عدم اعتماد به نفس و ترس از شکست موجب می شود که پژوهشگر سال ها نظریه خود را اعلام نکند، یا در ابراز عقیده، تقیه و مخفی کاری کند.

۲-۲. روحیه سطحی نگری در تحقیق

پژوهش با ژرف نگری رشد می یابد و بالنده می شود. برخی از پژوهشگران روحیه ای تسامحی و سطحی نگر دارند. این روحیه به پیشرفت علوم، ضربه ای غیر قابل جبران وارد می کند.

۳-۲. ضعف روحیه نقدپذیری و نقادی

پژوهشگر باید روحیه ای نقادانه داشته باشد و بر هر دلیل و مسئله ای علامت سؤال بگذارد تا بتواند مشکلات را بشناسد و آنها را حل کند. به همان اندازه نیز لازم است پژوهشگر، نقدپذیر باشد؛ یعنی دلایل منطقی و اشکالات مخالفان خود را با شرح صدر مورد بررسی قرار دهد و اگر صحیح است، بپذیرد. برخی از پژوهشگران دارای این دو روحیه نیستند؛ از این رو به پژوهش های خود آسیب جدی وارد می کنند و از رشد خود و جامعه علمی جلوگیری می کنند.

۴-۲. شخص محوری و تمایل به تحقیقات فردی (فرار از عقل جمعی و ارزیابی)

پژوهش های جمعی نتیجه ای کامل تر و استوارتر به بار می آورند. محققان حوزه دین از دیر باز به تحقیقات فردی عادت کرده اند؛ از این رو در گوشه کتابخانه می نشینند و تحقیق خود را انجام داده، نتیجه آن را ارائه می کنند. این شیوه از آن جهت که استقلال محقق و اجتهاد شخصی او محترم شمرده می شود؛ و آرای شخصی او منتشر می شود مفید است، اما از جهت دیگر، محقق را از مشورت و بهره برداری از نقدها و افکار دیگران محروم می سازد و رشد علم را کند می گرداند.

البته در سه دهه اخیر برخی تحقیقات جمعی در حوزه های علمیه شکل گرفته است که البته اینها کافی نیست، بلکه این شیوه باید نهادینه شود و به صورت فرهنگ عمومی محققان در آید؛ به ویژه در حوزه فقه که کار جمعی زیادی را می طلبد.

۲-۵. شتابزدگی در تحقیق و نظریه پردازی

تحقیق، وقت گیر است، اما چشم گیر نیست. این، شعار اساسی پژوهشگران حقیقی و طبیعت تحقیق است. گاهی نتیجه سال ها تحقیق، ده صفحه مطلب است. ولی برخی از پژوهشگران به خاطر عجله در کار، مطالب ناپخته ارائه می کنند، یا با ارائه نظریه های غیر محققانه، به کژراهه می روند، و نه تنها باعث پیشرفت علم نمی شوند، بلکه مانع رشد آن می شوند.

این روحیه که یکی از آسیب های روان شناختی پژوهش است، با تلقین، شکیبایی و تقویت روحیه صبر و استقامت در پژوهشگران قابل رفع است.

۲-۶. افراط و تفریط در برخورد با افکار دیگران

در حوزه تحقیق، رعایت اعتدال و انصاف یک اصل اساسی است که زمینه ساز شکوفایی استعدادها می شود. رعایت نکردن این اصل و برخوردهای تند، موجب دلسردی محققان و کند شدن روند تحقیقات می شود. هم چنین سهل انگاری در نقد و بررسی، موجب ضعیف شدن نتیجه تحقیقات می گردد که هر دو مورد، یعنی تند روی و سهل انگاری، به پژوهش آسیب می رساند.

۲-۷. خودسانسوری (اختناق سفید)

محقق واقعی کسی است که تابع حقیقت باشد و هیچ چیزی را با حقیقت عوض نکند. برخی به خاطر عوامل روان شناختی، مثل ترس، ناامنی در حوزه نظریه پردازی و ضعف اراده و شخصیت، از ابراز عقاید و کشفیات خود پرهیز می کنند؛ یعنی گرفتار نوعی اختناق سفید یا خود سانسوری می شوند. برنامه ریزان و مدیران تحقیقات باید عوامل و زمینه های روانی و اجتماعی خودسانسوری را بشناسند و بر طرف سازند.



۳. آسیب‌های جامعه‌شناختی

۳-۱. چند شغله بودن محققان

تمرکز بر یک پژوهش، عامل اساسی پیشرفت پژوهشگر و علم است. گاهی عوامل جانبی، مثل مشکلات اقتصادی یا احساس مسئولیت‌ها یا تحمیل‌ها موجب می‌شود که پژوهشگران چند شغله شوند. این امر، آسیب جدی به روند پژوهش آنها می‌زند و آنان را گرفتار تشتت روحی و علمی کرده، از ژرف نگری باز می‌دارد.

۳-۲. نبودن امنیت شغلی برای محققان نوپرداز و نظریه پردازان

پژوهشگری، شغلی حساس است؛ چون نتیجه پژوهش ممکن است مطابق خواسته دیگران نباشد یا مخالف میل آنها باشد. در این صورت، امنیت شغلی و اجتماعی و گاهی امنیت جانی پژوهشگر به خطر می‌افتد؛ از این رو لازم است نهادهایی به حمایت از این گونه پژوهشگران بپردازند؛ چرا که هیچ پژوهشگری نمی‌تواند تضمین دهد که نتایج پژوهش و نظریه پردازی او موافق میل حاکمان و مدیران باشد و اگر از این گونه پژوهشگران حمایت نشود، میل به پژوهش کم می‌شود و پیشرفت علم، کند یا متوقف می‌گردد.

۳-۳. تحجرگرایی

یکی از زمینه‌های فرهنگی که مانع پیشرفت علم و پژوهش در اجتماع می‌شود، تحجرگرایی است. جامعه‌ای که گرفتار این آسیب است، از محقق انتظار دارد که با مشهورات مخالفت نکند، بلکه فقط در راستای آنها سخن بگوید و برای اثبات آنها بکوشد. چرا که مشهورات بر اذهان جامعه حاکم شده است و مخالفت با آنها را نوعی جرم دینی یا اخلاقی به شمار می‌آید. تحجرگرایان با تحقیقات به صورت مشروط موافق اند؛ یعنی به شرطی که به عقاید سنتی آنان ضربه‌ای وارد نکند. در حالی که پژوهشگری و نظریه پردازی و تولید علم نیازمند جامعه‌ای پویاست که همواره به نقد روشمند و علمی گذشته خود بپردازد و به بازسازی و نوسازی افکار و اندیشه‌های خود بنشیند و از تقلید در حوزه فکر، دوری گزیند.



۳-۴. جناح بازی های سیاسی در حوزه پژوهش

جریان پژوهش نباید رنگ سیاسی به خود بگیرد در این صورت ممکن است کشمکش های جناحی و سیاست بازی ها، در نهایت به ضرر امر پژوهش بوده و پژوهشگران را که نیازمند محیطی آرام، علمی و منطقی هستند تحت تأثیر قرار دهد. و نتایج پژوهش را در جهاتی خاص سوق دهد.

۳-۵. عوام زدگی در تحقیق

طبیعت تحقیق، ژرف کاوی و ژرف نگری است؛ انجام تحقیقات، سطحی و عوامانه با حالتی ژورنالیستی نوعی آسیب برای تحقیق به شمار می آید.

۳-۶. حیرت پراکنی در نسل نو

تحقیق باید موجب پیشرفت و روشننگری در سطح فرهیختگان شود. برخی از تحقیقات هنوز مراحل نهایی خود را طی نکرده اند، یا شبهات و ابهامات و سئوالاتی را ایجاد می کنند که موجب نگرانی و حیرت نسل نو می شود. در این موارد باید در ارائه نتایج تحقیق به افراد غیر متخصص شتاب نورزیم و حیرت پراکنی نکنیم. پس یکی از آسیب های پژوهش آن است که نتیجه پژوهش به صورت زودرس در اختیار جامعه قرار گیرد و حیرت زا شود.

۳-۷. خطا در داوری در انگیزه پژوهشگران

برای نقد هر پژوهشی، باید نتایج و روند تحقیق آن را بررسی کرد، و به این پرسش پاسخ داد که آیا پژوهش به صورت علمی انجام شده است یا نه. انگیزه های شخصی افراد نباید در ارزیابی علمی تحقیق سرنوشت ساز باشد. از این رو ارزیابان و جامعه علمی، نباید کسی را به خاطر انگیزه خاص او در تحقیق، نکوهش کنند. به عبارت دیگر، چالش هایی که در اثر تحقیقات علمی به وجود می آید، یا تعارض های ظاهری که با برخی آموزه های دینی پیدا می کند؛ نباید ما را به سمتی سوق می دهد که افراد را متهم به انگیزه های ضد دینی کنیم، یا آنها را ضد انقلاب یا عنصر سیاسی بدانیم؛ چرا که ممکن است فردی دلسوز و دیندار، پژوهشی انجام دهد و به نتایجی برسد که حتی با عقاید خودش منافات داشته باشد. در چنین مواردی نقد صحیح و نقدپذیری منطقی می تواند راهگشا باشد.



۴. آسیب های مدیریتی و اجرایی:

۴-۱. کمبود نیروهای متخصص

پژوهش، مبتنی بر آموزش است؛ یعنی قبل از شروع طرح های تحقیقاتی لازم است که نیروهای متخصص در آن زمینه تربیت شوند. برای مثال، اگر بخواهیم در زمینه تفسیر و علوم قرآن اقدام به پژوهش یا دائرة المعارف نویسی کنیم؛ باید قبلاً مراکز تخصصی در این زمینه پدید آمده باشند و نیروهایی در سطح کارشناسی ارشد و دکترا تربیت شده باشند، بلکه باید نیروهای مذکور با گرایش پژوهش تربیت شوند، یعنی واحدهای متعددی در زمینه روش تحقیق در علوم قرآن و تفسیر یا دائرة المعارف نویسی بگذرانند.

گاهی این ضرورت احساس نمی شود یا به مرحله عمل نمی رسد؛ از این رو کار پژوهش با خطاهای زیاد و ریزش ها و تلف شدن وقت و نیرو و امکانات بسیار همراه می گردد.

۴-۲. حجم زیاد مؤسسات پژوهشی در مقایسه با پژوهشگران

توسعه پژوهش امری طبیعی و لازم است، اما تأسیس مؤسسات پژوهشی موازی و نهادسازی های بی مورد و دستوری، یکی از آسیب های جدی در امور پژوهش است. آیا بهتر نیست به جای صرف امکانات اقتصادی و نیروهای مدیریتی و... در سامان دهی مراکز جدید پژوهشی، به تزریق امکانات و سرمایه به مراکز موجود بپردازیم؟ و در اصلاح آسیب های آنها بکوشیم.

۴-۳. کمبودهای اقتصادی و عدم حمایت مالی از پژوهش و پژوهشگران

هرگاه در کشوری علم و ثروت در دو جهت مخالف هم حرکت کنند، نباید انتظار پیشرفت سریع دانش و تولید علم داشته باشیم. محقق هم چون هر انسانی دیگر نیازهای طبیعی و مالی دارد که اگر تأمین نشود، دغدغه های اقتصادی فکر او را مشغول می کند و مانع تفکر ژرف و تمرکز علمی می شود؛ از این رو لازم است مدیریت تحقیق، در زمینه های زیر از محققان حمایت جدی کنند:

الف. تأمین هزینه های زندگی محققان (اعم از مسکن، حقوق و...)

ب. تأمین نیازهای سخت افزاری (مثل: کتاب، رایانه و...)

ج. تأمین فضای مناسب تحقیق.

گاهی مشاهده می شود که در مراکز تحقیقی همه نیروها تأمین می شوند، ولی برای پرداخت حقوق محققان سخت گیری زیادی می شود. نیز بهترین قسمت های ساختمان ها در اختیار نیروهای اداری قرار می گیرد و زیر زمین های کم نور و مرطوب و نامناسب به کتابخانه و محقق اختصاص می یابد. نتیجه این نوع برخورد، کم شدن کارکرد محققان است. در حالی که باید بهترین فضا برای کار پژوهشگران باشد و کتابخانه های شبانه روزی با امکانات رفاهی فراهم شود تا کار پژوهش با سرعت و سلامت به پیش برود.

اگر نگاهی به بودجه پژوهش و تناسب آن با دیگر بودجه های جاری در کشور بیندازیم یا بودجه های پژوهش حوزه را با دانشگاه ها بسنجیم، نمودارهای هشدار دهنده و تفاوت های فاحشی را مشاهده می کنیم.

۴-۴. چند شغل داشتن مدیران

مدیریت نیاز به فکر، برنامه ریزی، تمرکز و وقت گذاری دارد؛ بنابراین مدیری که چند شغل داشته باشد، نمی تواند همه آنها را به صورت مطلوب اداره کند و بر آنها نظارت نماید. این، یکی از آسیب های مدیریت ها در همه زمینه ها و به ویژه در پژوهش در کشور و حوزه است. گاهی برخی از افراد چندین و چند عنوان مدیریت دارند و طبیعی است که نباید از آنها انتظار کار موفق داشته باشیم. البته گاهی کمبود نیروی مدیریتی کارآمد و با تجربه سبب این امر می شود که باید برای رفع آن برنامه ریزی شود.

۴-۵. واگذاری امور به افراد غیر متخصص در مدیریت پژوهشی

حوزه مدیریت پژوهش، یکی از حساس ترین حوزه های مدیریتی است؛ به طوری که گفته شده است از نوع «مدیریت در حوزه های مدیریت ناپذیر» است؛ چرا که روحیه محققان بسیار حساس است و برخوردهای نامناسب و غیر فنی و نظارت غیر علمی، آسیب جدی به پژوهش و پژوهشگران وارد می سازد.

با این وجود گاهی مشاهده می شود که به خاطر حاکمیت روابط بر ضوابط، مدیران غیر متخصص و غیر علمی در رأس مراکز پژوهشی قرار می گیرند و در تصمیم سازی ها



سخن سردبیر

نقش اصلی بازی می کنند که این خود، نوعی بازی با پژوهش است و پیامدهای منفی دارد.

۴-۶. افراط و تفریط در ضوابط و مقررات پژوهشی

پژوهش نیاز به مقررات مضبوط و واقع بینانه و حمایت گرانه دارد. برخی از مراکز و مؤسسات پژوهشی، از نداشتن قوانین مدون رنج می برند، به طوری که در آنها حقوق پژوهشگران ضایع می شود و کسی به فریاد آنان نمی رسد. برخی از مراکز نیز از افراط در تدوین و ابلاغ مقررات، دچار سردرگمی و قوانین دست و پاگیر می شوند؛ به طوری که طرح های تحقیقی در آنها با کندی پیش می رود. افراط و تفریط در زمینه مقررات پژوهشی یکی از آسیب های پژوهش است که برای رفع آن، باید قوانین استاندارد در سطح ملی تعریف و در تمام مراکز به طور یکسان لازم الاجرا شود

۴-۷. عدم هماهنگی و تعامل میان مراکز پژوهشی و نهادهای نظام اسلامی

پژوهش کالایی است که مصرف کننده خاص خود را دارد. یکی از مصرف کنندگان اصلی نتایج پژوهش ها، نظام اسلامی و نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است؛ ولی گاهی دیده می شود که تولید کننده با مصرف کننده هیچ ارتباطی ندارد. این عدم ارتباط، آسیبی دو سویه دارد: از طرفی به نهادهای نظام ضربه می زند که نمی توانند راه کوتاه و صحیح را به خوبی تشخیص دهند و مشکلات خود را حل کنند، و از سوی دیگر به پژوهشگران و مؤسسات پژوهشی ضربه می زند که از موضوعات جدید و کاربردی محروم می شوند و کم کم به طرف پژوهش در خلأ پیش می روند.

۵. آسیب های علمی

۵-۱. رعایت نکردن اصل تقدم آموزش بر پژوهش

پیش تر نیز بیان کردیم که آموزش بر پژوهش مقدم است و هر محقق باید در زمینه کاری خود متخصصی آموزش دیده باشد. پژوهشگر غیر متخصص، قواعد و قوانین علم مربوط و موضوعات جدید و مهم، و ابعاد آنها را نمی شناسد، و در نتیجه، پژوهشی غیر

حرفه ای و ناقص ارائه می کند و گاهی به کژراهه می رود و سالیان زیادی از عمر خود و امکانات را تلف می سازد.

متأسفانه فرهنگ تخصص قبل از پژوهش در حوزه ها هنوز جای خود را به خوبی باز نکرده و هر کس به خود اجازه می دهد بدون گذراندن رشته تخصصی مربوط، در حوزه تفسیر، حدیث، فقه و... پژوهش و اظهار نظر غیرعالمانه کند.

۵-۱. عدم شناخت ساختار زبان متن

هر مسئله پژوهشی باید گونه شناسی شود و در طبقه خاص خود قرار گیرد تا روشن شود که آیا مسئله ذهنی است یا واقعی یا زبانی، و اگر زبانی است، با چه زبانی سخن می گوید.

برای مثال آیا زبان قصه های قرآن، واقع نما است یا تمثیلی، اسطوره ای، کنایی و مجازی است؟ آیا معنادار است یا فقط برانگیزنده احساس افراد است؟ تا وقتی که محقق مسئله زبان مورد پژوهش را تعیین نکند، تحقیق او جهت صحیح پیدا نمی کند؛ بلکه ابهام زبان، آسیب جدی برای پژوهش در پی می آورد.

۵-۲. مطالعات تاریخی و فلسفی و... بدون توجه به پیامدهای آن در عصر حاضر

مطالعه تاریخ و سیر تطور هر موضوع، امری لازم است. مطالعه تاریخی به معنای پیشینه حادثه و آینده حوادث است؛ یعنی ما نمی توانیم زندگی پیامبر(ص) و ائمه(ع) و... را بدون توجه به حال و آینده مطالعه کنیم. بلکه تاریخ، شناخت سلف در پرتو خلف است.

برای مثال ما باید قرآن و قصه های آن را طوری مطالعه و تفسیر نماییم که درمان دردهای عصر خویش را در آن بیابیم و مصادیق جدید قوم عاد و ثمود و فرعون و موسی را پیدا کنیم.

یکی از آسیب های علمی پژوهش های اسلامی آن است که دنباله و پیامد و نتایج و آثار آن در عصر حاضر تحلیل و تبیین نشود و مسائل فلسفه، تفسیر قرآن و تاریخ به صورت مسائل ذهنی و نظری باقی بماند.